

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار

یداله حیدری باباکمال*

چکیده

یکی از مهم‌ترین سازه‌های بومی ایران در ارتباط با اقتصاد کشاورزی، بناهای موسوم به کبوترخانه است. استان اصفهان از مناطقی است که در زمینه پیشینه و ساخت کبوترخانه در تاریخ بومی ایران نقش بسزایی داشته است. از آنجایی که کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار تاکنون از نظر تاریخی و باستان‌شناسی به دقت مطالعه نشده‌اند، پژوهش حاضر در تلاش است؛ اهمیت بناهای مذکور را در این پهنه‌ی فرهنگی با توجه به مناسبات سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی روشن سازد. روش به کار رفته علاوه بر مطالعه منابع تاریخی، فعالیت میدانی باستان‌شناسی - بررسی پیمایشی فشرده - است. به منظور دستیابی به اهداف یاد شده ۱۴۶ کبوترخانه در شهرستان‌های گلپایگان و خوانسار شناسایی، سپس از نظر تاریخی، الگوی پراکنش، عملکرد، میزان فعالیت، قدمت و معماری مطالعه شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشتر کبوترخانه‌ها در امتداد رودخانه درازرودخانه گلپایگان و رودخانه‌ی خوانسار پراکنده شده و عموماً مربوط به اواخر دوره قاجار بوده‌اند. کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان برخلاف سایر کبوترخانه‌های مناطق اصفهان که استوانه‌ای شکل هستند، با نقشه چهارکنج (مستطیلی) بنا شده‌اند. یافته‌های دیگر پژوهش نشان می‌دهد کارکرد کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان همانند سایر کبوترخانه‌های مناطق دیگر ایران تولید کود برای تقویت زمین‌های کشاورزی بوده است. واژه‌های کلیدی: کبوترخانه، گلپایگان، خوانسار، فرهنگ بومی، بررسی تاریخی و باستان‌شناسی.

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان. (Yadolah.Heydari@gmail.com)

مقدمه

یکی از بناهای بومی که در اوایل سده سیزدهم هـ ق/نوزدهم م. توجه اکثر سیاحان اروپایی را به خود جلب کرد کبوترخانه‌ها بودند. درک اهمیت کبوترخانه‌ها مستلزم فهم ضرورت تاریخی ابداع و کارکردهای آنها در نظام کشاورزی و ارتباط آنها با ابداعات دیگری نظیر اختراع خیش، ابداع و به کارگیری فنون آبیاری و کودورزی و تنظیم تقویم‌های کشاورزی به ویژه در ارتباط با مسئله‌ی حفظ حاصلخیزی خاک است. این مجموعه‌ی نظام‌یافته به منظور تسلط بهتر بر محیط در قالب به کارگیری دانش بومی یک جامعه با هدف برآوردن نیازهای حیاتی آن جامعه تبلور می‌یابد. بیشترین تمرکز بناهای یاد شده در استان اصفهان بوده است به طوری که می‌توان این نوع بنا را از نمادهای بومی شهر اصفهان و فن کبوترخانه‌سازی را یکی از فنون مهم در کشاورزی سنتی ایران در منطقه اصفهان به شمار آورد. با توجه به این که آخرین بقایای کبوترخانه‌ها در حال تخریب است و آثار اندکی از آنها در دست است، معرفی و ذکر کارکرد آنها و ایجاد زمینه‌ای برای مطالعات انسان‌شناختی و فرهنگ بومی می‌تواند اهمیت مطالعه‌ی کبوترخانه‌ها را در خصوص شناسایی توانمندی‌های فرهنگی اجداد و نیاکان ما دو چندان کند. در رابطه با کبوترخانه‌های ایران به ویژه اصفهان مطالعاتی توسط پژوهشگران داخلی و خارجی صورت گرفته است؛ اما به دلیل پراکنش قابل توجه و نیز معماری متفاوت کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار انجام پژوهشی مستقل در این زمینه ضروری می‌نماید. بر این اساس سؤالات زیر محور پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند:

۱- چه عامل یا عواملی در نحوه استقرار و الگوی پراکنش کبوترخانه‌های مناطق فوق نقش داشته‌اند؟

۲- چه تمهیداتی برای مبارزه با دشمنان کبوتر، اعم از عوامل طبیعی و جانوری اندیشیده شده است؟

۳- علت از رونق افتادن و متروک شدن کبوترخانه‌ها چه بوده است؟

مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر در استقرار و متروک شدن کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان بر اساس مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی است.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۶۳

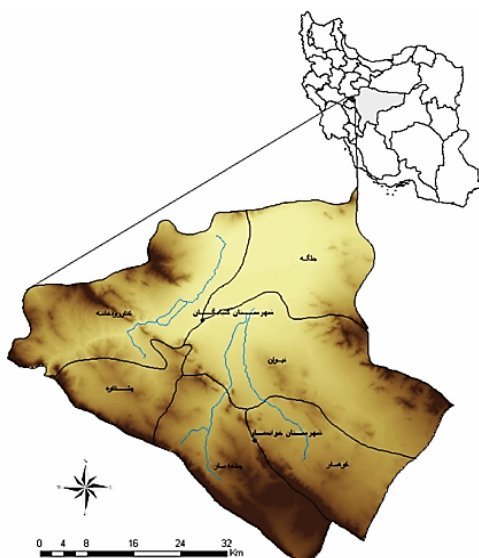
هدف دیگر این پژوهش مطالعه معماری و ویژگی‌های ساختاری کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان است. روش‌های به کار رفته عبارتند از؛ بهره‌گیری از میراث نوشتاری و استخراج اطلاعات از متون کهن کشاورزی و تاریخی، به همراه فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی جهت تعیین اهمیت تاریخی و فرهنگی، فرم معماری، الگوی پراکنش کبوترخانه‌ها و شناخت از وضعیت کنونی آنهاست. در بخش میدانی تحقیق جهت رسیدن به اهداف مورد نظر و شناسایی آثار فرهنگی، علاوه بر بررسی فشرده در روستاها و دشت‌های گلپایگان و خوانسار از آشنایان محلی و ریش‌سفیدان هر روستا کمک گرفته شده و مصاحبه و گفتگویی در ارتباط با سازوکار هر کبوترخانه به عمل آمد. بررسی فشرده بیشتر در مسیر دو رودخانه گلپایگان و خوانسار و مناطق با تحت پوشش قنات‌های منطقه صورت گرفته است. مختصات جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریای هر یک از کبوترخانه‌ها با استفاده از دستگاه «GPS» اندازه‌گیری و با استفاده از نقشه‌های «GIS» الگوی پراکنش کبوترخانه‌ها تحلیل شده است.

در ارتباط با کبوترخانه‌های ایران تاکنون مقالات و گزارشات پراکنده‌ای توسط متخصصین مردم‌شناس و جامعه‌شناس منتشر شده است. از جمله می‌توان به مرتضی فرهادی (۱۳۷۲)؛ در کتاب خود با عنوان «نگاهی به اهمیت و پیشینه کبوترخانه‌های ایران» علاوه بر تلاش برای مشخص نمودن پیشینه‌ی تاریخی کبوترخانه‌ها در ایران و توجه به ابعاد اقتصادی آنها در زمینه‌ی کشاورزی، به ابعاد فرهنگی و زیبایی‌شناختی آن نیز پرداخته است. فرهادی (۱۳۷۲) در پژوهشی دیگر با عنوان «کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی» با مرور سفرنامه‌های سیاحان غربی به توصیف زیبایی و معماری کبوترخانه‌ها و نیز کارکردهای آن از دید سیاحان و سفرنامه‌نویسان می‌پردازد. همچنین وی در جلد دوم نامه کمره (۱۳۶۹) به تشریح ویژگی‌های ساختاری و اهمیت کبوترخانه‌ها به طور کلی و منطقه‌ی خمین به طور ویژه می‌پردازد. سعید هادی‌زاده کاخکی (۱۳۸۵) در کتابی با عنوان «کبوترخانه در ایران» به معرفی مختصر کبوتر از نظر علمی و جایگاه آن در فرهنگ ایرانی، دیدگاه گردشگران خارجی از کبوترخانه‌های ایران و همچنین کالبد و معماری کبوترخانه‌ها پرداخته است. محمودیان و چیت‌ساز در کتاب برج‌های کبوتر در

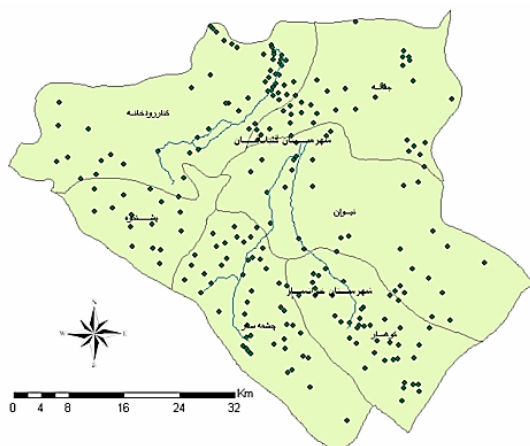
اصفهان به بررسی نکات فنی، معماری و مهندسی این سازه‌ها پرداخته‌اند. محمدرضا سرافرازی در پژوهشی با عنوان «کبوترخانه‌های گلپایگان» به معرفی مختصری از اهمیت کبوترخانه‌های ایران و بویژه کبوترخانه‌های گلپایگان پرداخته است. سید آیت‌اله میرزایی در پژوهشی با عنوان «کاوشی درباره‌ی ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوترخانه‌های استوانه‌ای شکل؛ مطالعه موردی شهر اصفهان و حومه» به مطالعه کبوترخانه‌ها به منزله‌ی سازه‌ای چند منظوره پرداخته و ضمن برشمردن آن به مثابه یک فناوری فرهنگی و اقتصادی به اهمیت پیشینه‌ی تاریخی و تخریب آنها پرداخته است. میرزایی در پژوهش دیگری با عنوان «مقایسه برخی ویژگی‌ها و کارکردهای کبوترخانه‌های ایران و انگلستان» به مقایسه‌ی تطبیقی از نظر کارکرد و معماری میان کبوترخانه‌های ایران و انگلستان پرداخته است. سرانجام آرین امیرخانی در پژوهشی به مقایسه تطبیقی کبوترخانه‌های ایران و آناتولی مرکزی پرداخته و آنها را از نظر فرم و کارکرد گونه‌شناسی کرده است. با این حال بجز معرفی مختصر کبوترخانه‌های گلپایگان در ماهنامه جهاد سال ۱۳۶۹ توسط محمدرضا سرافرازی، تاکنون کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار به طور دقیق شناسایی و بررسی نشده‌اند.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۶۵

مختصری از جغرافیای طبیعی و زیست‌محیطی مناطق مورد مطالعه



نقشه ۱. نقشه شهرستان‌های گلپایگان و خوانسار با دهستان‌های آنها (مأخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری استان اصفهان)



نقشه ۲. نقشه پراکندگی روستاهای شهرستان‌های گلپایگان و خوانسار (مأخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری استان اصفهان)

شهرستان گلپایگان در شمالغربی استان اصفهان واقع شده و از سمت شمال به شهرستان خمین، از جنوب به خوانسار، از شرق به برخوار، میمه، تیران و کرونو و از غرب به شهرستان الیگودرز محدود می‌شود. از لحاظ تقسیمات سیاسی این شهرستان از یک بخش مرکزی و سه دهستان جلگه، دهستان کنار رودخانه و دهستان نیوان تشکیل شده است (نقشه ۱ و ۲).^۱ از نظر طبیعی و جغرافیایی گلپایگان دشتی بسته و محدود است که ارتفاعاتی از سمت جنوب، جنوبغرب و جنوبشرق آن را احاطه کرده‌اند.^۲ منابع آب‌های سطحی منطقه عموماً رودخانه‌های گلپایگان، خوانسار و زه‌آب فصلی کویراند. رودخانه‌ی خوانسار از گردنه‌ی خوانسار، رودخانه‌ی خم‌پیچ از ارتفاعات حوالی خوانسار (خم‌پیچ) و رودخانه‌ی خشک از دهات عربستان (در، تکینه و شورچه) سرچشمه گرفته و پس از عبور از لایه‌های شور، وارد آبرفت‌های سنگریزه‌دار گلپایگان می‌شوند. این جریان‌ات عموماً تغذیه‌ی سفره‌ی آب‌های منطقه را انجام می‌دهند و در مواقع سیلابی خساراتی به مناطق نیوان، گوگرد، رباط‌ابوالقاسم، و مزرعه می‌رساند.^۳ شهرستان خوانسار نیز با مساحتی در حدود ۸۹۲ کیلومتر مربع در منطقه‌ای کوهستانی و مرتفع در شمالغرب استان اصفهان واقع شده است. این شهرستان از سمت شمال و شرق به شهرستان گلپایگان و از سمت جنوب و غرب به شهرستان فریدن (داران) منتهی می‌گردد. رودخانه‌ی خوانسار که از ذوب برف کوه‌های گلستان‌کوه، ارتفاعات اطراف آن و چشمه‌های متعدد جنوب شهر تغذیه می‌گردد، در اصل از به هم پیوستن دو شعبه‌ی فرعی تشکیل شده است. این رودخانه‌ها منابع آبی مناسبی را برای رونق کشاورزی و باغداری منطقه فراهم آورده که به طبع آن سازوکارهای مرتبط با آن‌ها نیز توسعه یافته‌اند. از جمله این امکانات بومی برای توسعه کشاورزی کبوترخانه‌ها هستند که در کنار آب و هوای مناسب منطقه زمینه‌ی مطلوبی را جهت تولید

۱. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شناسه آبادی‌های کشور، شهرستان گلپایگان، ص ۱۳۶.

۲. محمد مسیبی (۱۳۷۷)، ژئومورفولوژی حوضه‌ی آبی گلپایگان، فصلنامه رشد و آموزش جغرافیا، ش ۴۶، ص ۵۱.

۳. محمد مسیبی، «بررسی اوضاع طبیعی حوضه‌ی آبی رودخانه گلپایگان با تأکید بر هیدروکلیما»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه اصفهان، (۱۳۷۱)، ص ۳۲.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۶۷
کود و تقویت زمین‌های کشاورزی فراهم آورده‌اند. با توجه به این توانمندی‌ها ایجاد
کبوترخانه‌ها بهترین بهره‌برداری از محیط کشاورزی در گلپایگان و خوانسار بوده است.

پیشینه تاریخی کبوترخانه‌ها در ایران

در مورد پیشینه‌ی تاریخی نخستین کبوترخانه‌ها می‌توان در لابه‌لای متون ادبی و تاریخی
به نشانه‌هایی از اهمیت کبوتر و کبوترخانه در زندگی کشاورزی در ایران پی برد. این
سازه‌ها در خارج از ایران نیز پراکندگی قابل توجهی دارند؛ از جمله در نورث‌همپتون
(Northampton)، باکینگهام (Buckingham)، هانتینگدان (Huntingdon)، هرفوردشایر
(Herefordshire)، استروپشایر (Stropshire) انگلستان،^۱ در شیوتا (Shivta) فلسطین
اشغالی،^۲ در کارانیس (Karanis) مصر،^۳ و در منطقه جسی (Gesi) و سنلورفا
(Sanlurfa) ترکیه^۴ می‌توان به آنها اشاره کرد. اکثر پژوهش‌گران داخلی و خارجی با
حدس و گمان در مورد منشأ نخستین کبوترخانه‌ها ابراز عقیده کرده‌اند.^۵ با وجود این
مرتضی فرهادی با مراجعه به متون باقی‌مانده از ادبیات منظوم و منثور فارسی مربوط به
اوایل ورود اسلام به ایران ضمن ارائه شواهدی، تاریخ احتمالی ساخت و بهره‌برداری از
کبوترخانه‌ها را تا قرن چهارم هجری عقب می‌برد.^۶ عده‌ای نیز دانش و تکنیک ساخت
کبوترخانه‌ها در ایران را به تمدن بین‌النهرین و ساخت برج‌های کبوتر را به ابداع فنون
کشاورزی در این منطقه نسبت می‌دهند؛ لذا احتمال می‌رود برج‌های کبوتر در ایران قدمت
طولانی‌تر (احتمالاً ۴۸۰۰ سال و مرتبط با تمدن بین‌النهرین) نسبت به آنچه فرهادی بیان

1. Cook, O.A., (1920), *A Book of Dovecote*, By: T.N. Foulis in London, Edinburgh and Boston. P.12

2. Ramsay, J. and Tepper, Y., (2010) "Signs from a Green Desert: A Preliminary Examination of the Archaeobotanical Remains from a Byzantine Dovecote Near Shivta, Palestine", *Vegetation History and Archaeobotany*, No.19. pp. 235-242.

3. Elinor Husselman, M., (1953), "The Dovecotes of Karanis", *Transactions and Proceedings of the American Philological Association*, Vol. 84. pp. 8.

4. Imamoglu, vacit and etal, (2005), "A Fantasy in Central Anatolian Architectural Heritage: Dove Cotes and Towers in Kayseri", *Metu Journal of the Faculty of Architecture*, pp. 79-89

۵. مرتضی فرهادی (۱۳۷۲)، «کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*،

س ۸، ش ۱۵، ص ۳۸.

۶. مرتضی فرهادی (۱۳۶۹)، *نامه کمره*، ج ۲ (چند برش در فرهنگ کشاورزی و دامداری شهرستان کمره)،

تهران، امیرکبیر، ص ۱۸-۲۲.

کرده است، داشته باشند.^۱

با مطالعه‌ی متون ادبی می‌توان پی برد که برخی از نویسندگان و شعرای ایرانی در نوشته‌های خود از واژه‌های کبوترخانه و یا واژگان مترادف آن همچون «ورده»، «برج کبوتر» و «کبوترخانه» استفاده کرده‌اند. این عبارات نشانه‌ی وجود این بناها در حوزه مشاهدات مستقیم آنها و یا حداقل آشنایی غیر مستقیم آنها با این مسئله است. البته برخی نیز با طرح مسائلی همچون «مار در کبوترخانه افتادن» و بیان تشبیهاتی که به ساختمان درونی کبوترخانه باز می‌گردد، نشان می‌دهند که با معماری، فرهنگ و روش‌های استفاده از تمهیدات به کار برده شده در آنها برای کبوتران و کبوترخانه‌ها آشنا بوده‌اند. نرشخی از مورخان قرن چهارم هـ.ق در کتاب تاریخ بخارا از ساخت کبوترخانه‌ای بمناسبتی سخن به میان می‌آورد.^۲ خاقانی شروانی،^۳ نظامی^۴ و مولانا در مثنوی معنوی^۵ و غزلیات شمس^۶ واژه کبوترخانه را در اشعار خود به کار برده‌اند. علاوه بر آن در لغت فرس اسدی طوسی^۷ مربوط به سده پنجم هجری، در صحاح الفرس^۸ مربوط به سده هشتم هجری، در مجمع الفرس^۹ مربوط به سده ۱۱ هجری و در فرهنگ‌های بعدی، «ورده» به معنای

۱. سیدآیت‌الله میرزایی (۱۳۸۲)، «کاوشی درباره‌ی ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوترخانه‌های استوانه‌ای شکل (مطالعه موردی شهر اصفهان و حومه)»، نشریه نامه انسان‌شناسی، دوره اول، ش ۴، ص ۱۳۹-۱۱۵.
۲. نرشخی (۱۳۵۱)، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن نصر قبادی، به تصحیح محمدعلی مدرس زنوزی، محمدبن زُفر بن عمر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۸۳.
۳. خاقانی شروانی (۱۳۳۸)، دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار، ص ۱۱۷.
۴. نظامی گنجوی (۱۳۶۲)، خمسه نظامی، تهران: پدیده، ص ۲۸۹.
۵. صادق گوهربین (۱۳۳۷)، فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی معنوی جلال‌الدین محمدبن حسین بلخی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۶۴۹.
۶. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۱)، کلیات شمس تبریزی (مطابق نسخه تصحیح شده بدیع‌الزمان فروزانفر)، تهران: مهتاب، ص ۳۳۰.
۷. اسدی طوسی، (۱۳۵۶)، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری، ص ۳۴.
۸. هندوشاه نخبجوانی (۱۳۵۵)، صحاح الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری)، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۹۲.
۹. محمدقاسم بن حاجی محمد سروری کاشانی (۱۳۳۸)، فرهنگ سروری (مجمع الفرس)، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: علی اکبر عملی، ص ۱۵۰۰.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۶۹

کبوترخانه آمده است. همچنین ورده در فرهنگ نفیسی «خانه‌ی کبوتر در سنگستان» و خصوصاً «کبوترخانه» معنا شده است.^۱

در تاریخ مبارک *غازانی* مربوط به قرن هشتم هجری در ارتباط با کبوترخانه‌ها آمده که غازان خان مغول جهت احیای کشاورزی ایران قوانینی به منظور حفظ و نگهداری کبوتران و کبوترخانه‌ها صادر کرده است.^۲ در بلوکات هرات سه محل با نام کبوترخان و چهار کبوترخان با نام ورده موجود بوده است.^۳ احتمالاً در سایر نقاط افغانستان و پاره‌ای از کشورهای همجوار نیز چنین اسماء امکان‌های وجود داشته باشد.

علاوه بر متون تاریخی و ادبی مورخان و شاعران ایرانی، این بناها به عنوان نخستین بناهای بومی توجه اکثر سیاحان را به خود جلب کرده است. عموم سیاحان به توصیف کبوترخانه‌های اصفهان و حومه‌ی آن در دوره صفوی و قاجار پرداخته‌اند و آن‌ها را بهتر از نمونه‌های موجود در اروپا دانسته‌اند. ظاهراً اولین سفرنامه‌نویسی که درباره‌ی کبوترخانه‌های ایران سخن به میان آورده، «ابن بطوطه» مراکشی است. وی در حدود پنج قرن قبل در سفرنامه خود این کبوترخانه‌ها را بین راه قریه فتیلان و اصفهان دیده است.^۴ پس از آن تا دوره صفوی که اوج ساخت کبوترخانه‌ها است، چندان اشاره‌ای به آنها نمی‌شود. طبق گزارشات مضبوط در اواخر سده یازدهم هجری بیش از سه هزار کبوترخانه در منطقه‌ی اصفهان وجود داشته که از آن‌ها امروزه فقط چند صد کبوترخانه ویران باقی مانده است. هدف از برپاکردن همه آنها، جمع‌آوری فضولات کبوتران بوده که بهترین کود برای جالیز خریزه‌های نامدار اصفهان شناخته شده است. ضمن این‌که از فضله‌ی کبوتر در ساخت باروتِ تفنگ و دباغی نیز استفاده می‌شده است.^۵ از جمله جهانگردان و سیاحانی

۱. علی‌اکبر نفیسی (ناظم‌الاطباء)، (۱۳۴۳)، فرهنگ نفیسی، ج ۴، تهران: خیام، ص ۱۵۹.

۲. رشیدالدین فضل‌اله همدانی، (۱۳۶۸)، جامع‌التواریخ (تاریخ مبارک *غازانی*)، به سعی و اهتمام کارل یان، اصفهان: پرسش، ص ۳۴۸.

۳. حافظ‌ابرو (۱۳۴۹)، *جغرافیای حافظ‌ابرو (قسمت ربیع خراسان و هرات)*، به‌کوشش نجیب مایل هروی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۸۶.

۴. ابن‌بطوطه (۱۳۵۹)، *سفرنامه ابن‌بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ص ۱۱۲.

5. Dewan, M.I, (1955), *Towers and Pigeon in Iran*, World Crops, March 1955. P.14;

که به توصیف کبوترخانه‌های دوره صفوی و قاجار پرداخته‌اند، می‌توان به ژان بابتیست تاورنیه،^۱ توماس هربرت،^۲ آدام التاریوس،^۳ ژان شاردن^۴ (تصویر ۱)، انگلبرت کمپفر^۵ (تصویر ۲)، اوژن فلاندن،^۶ لیدی شل،^۷ دکتر ویلز،^۸ ارنست هولستر،^۹ دیولافوا (تصویر ۳)،^{۱۰} هنری رنه دالمانی،^{۱۱} آرتور دو گوینو،^{۱۲} لرد کرزن،^{۱۳} آبراهام ویلیام جکسن،^{۱۴} فردریک

الیزابت بیزلی (۱۳۷۴)، مجموعه مقالات هنرهای ایران، زیر نظر رونالد دبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، صص ۱۱۸-۱۰۹، تهران: نشر و پژوهش فرزبان، ص ۱۱۱.

۱. ژان بابتیست تاورنیه (۱۳۳۶)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیروانی، اصفهان: سنایی و تأیید، ص ۳۷۱.

۲. الیزابت بیزلی (۱۳۴۵)، کبوترخانه‌های اصفهان، ترجمه مهندس کسائیانی، اصفهان: آرشیو دفتر حفاظت آثار باستانی، ص ۱۱۵.

۳. آدام التاریوس (۱۳۶۳)، سفرنامه آدام التاریوس (سفرنامه مسکو و ایران؛ بخش ایران)، ترجمه از متن آلمانی و حواشی احمد بهیور، تهران: ابتکار، ص ۲۱۶.

۴. ژان شاردن (۱۳۵۰)، سفرنامه شاردن به ایران و دیگر نواحی شرق، ترجمه محمدمسعود عباسی، ج ۴، تهران: امیرکبیر، صص ۱۲۳-۱۲۲.

۵. انگلبرت کمپفر (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ص ۲۱۷.

۶. اوژن فلاندن (۱۳۵۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراق، ص ۶۲۸.

۷. مری لیدی شل (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شل، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نشر نو، صص ۱۹۸-۱۹۷.

۸. چارلز جیمز ویلز (۱۳۶۸)، سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن پیش)، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال، ص ۱۳۱.

۹. ارنست هولستر (۲۵۳۵) شاهنشاهی، ایران در یکصد و سیزده سال پیش (با شرح و تصویر بخش نخست اصفهان)، ترجمه محمد عاصمی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران، ص ۸۲.

۱۰. مادام دیولافوا (۱۳۷۶)، سفرنامه مادام دیولافوا (ایران، کلد، شوش)، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۳۰۳.

۱۱. هنری رنه دالمانی (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران: امیرکبیر، ص ۹۹۸.

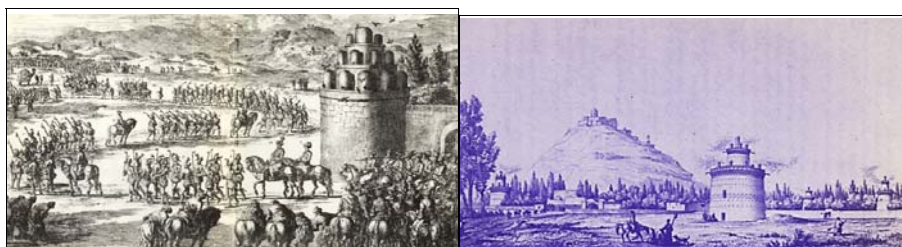
۱۲. ژوزف آرتور، گوینو (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: کتاب‌سرا، ص ۱۹۰.

۱۳. ن. لرد جرج کرزن (۱۳۶۷)، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۲.

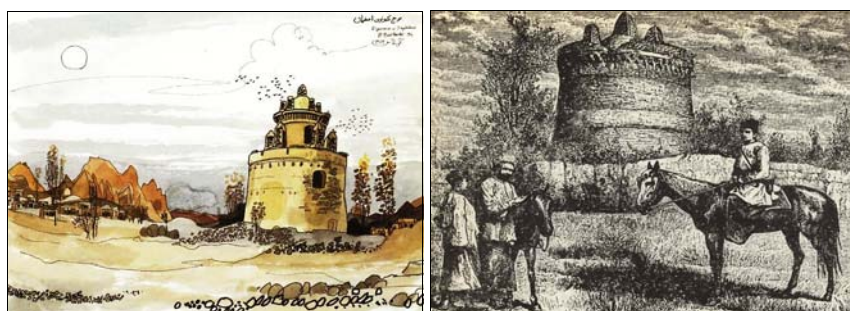
۱۴. آبرهام. و. ویلیامز جکسن (۱۳۵۷)، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی، ص ۳۰۶.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۷۱

ریچاردز،^۱ مریت هاکس،^۲ الیزابت بیزلی^۳ و آلن بایاش (تصویر ۴) اشاره کرد.^۴



تصویر ۱. نمایی از چند کبوترخانه در اصفهان (شاردن، ۱۳۵۰: ۲۵۲). تصویر ۲. مراسم عید قربان با تصویری از یک کبوترخانه در اصفهان (کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۴۱).



تصویر ۳. نمایی از یک کبوترخانه در حوالی اصفهان به روایت دیولافوا (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۲۹۵). تصویر ۴. نقاشی یک کبوترخانه در اصفهان در قرن بیستم (بایاش، ۱۳۷۴: ۱۰).

۱. فردریک چارلز ریچاردز (۱۳۴۳)، *سفرنامه فرد ریچاردز*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۷۳.

۲. مریت هاکس (۱۳۶۸)، *افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد و دیگران، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ص ۱۶۹.

۳. الیزابت بیزلی (۱۳۷۴)، *مجموعه مقالات هنرهای ایران*، زیر نظر رونالد دبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، صص ۱۰۹-۱۱۸، تهران: فرزانه؛

Beazley, E., (1966), "The Pigeon Towers of Isfahan", *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, the British Academy, Burlington Gardens, London, Vol.IV. pp. 105-109.

۴. آلن بایاش (۱۳۷۴)، *اصفهان نهاد دل من*، آثار آبرنگ نقاش فرانسوی، تهران: چاپ و انتشارات فرهنگسرا، ص ۱۰.

در کنار اهمیت توصیفات سیاحان، یکی از دلایل دیرینگی کبوترخانه‌ها را در ایران می‌توان وجود اماکن، روستاها و مزارعی با نام کبوترخان و نام‌های مترادف آن دانست. بنا به نوشته حمداله مستوفی «کبوترخانه» دهی میان نیشابور و سرخس است.^۱ همچنین زمین‌هایی به نام «کفترخان» در مزرعه گزدا امامزاده یوجان خمین،^۲ و روستاهایی بنام «ورده» در ساوه، تهران و مهاباد، «وردی» در کازرون، «وردیج» و «وردان» در تهران و خوی، «کبوترخان» در دامغان، رفسنجان و تربت حیدریه، «کبوترلان» در بروجرد، دزفول و خرم‌آباد و «کبوتردان» در بابل اشاره کرد.^۳ در *غیث‌اللغات* مربوط به قرن ۱۳ هجری به نقل از مصطلحات و بهار عجم در معانی کبوترخانه آمده است: «... در ایران رسم است که عمارت بلند چشمه چشمه در صحرا سازند و آن خاصه برای کبوتران است موسوم به کبوترخانه چون پیخال (سرگین طیور، فضله مرغ)، کبوتر به کار رنگرزان آید».^۴ با این حال و با توجه به اهمیت کشاورزی در ایران احتمالاً ساخت کبوترخانه‌ها را باید در تاریخی قدیمی‌تر از متونی که در آن‌ها نام کبوتر یاد شده، جستجو کرد. میرزایی بر اساس شواهد باستان‌شناسی اعم از نقوش مهر و سکه، دانش و تکنیک ساخت کبوترخانه‌ها را به تمدن بین‌النهرین (۴۸۰۰ سال پیش) و مرتبط با ابداع فنون کشاورزی در این منطقه می‌داند.^۵ فرهادی معتقد است که ضرورت کودورزی، نیاز به کود کبوتر به ویژه در جالیزکاری و برخی از کشت‌های بهاره‌ی دیگر و وجود فرهنگی که کبوتران را مورد محبت و حمایت قرار می‌داده سبب پیدایش کبوترخانه‌های ایران حداقل در یک‌هزار سال گذشته شده است.^۶ علاوه بر آن، شاید مهم‌ترین الگو در ساخت کبوترخانه‌ها، الگوی آشیانه‌ساختن

۱. حمداله مستوفی قزوینی (۱۳۶۲)، *نزه‌القلوب*، به‌کوشش گای لسترنج، تهران: نیای کتاب، ص ۱۷۵.

۲. نامه کمره، ص ۲۸.

۳. لطف‌اله مفخم پایان (۱۳۳۹)، *فرهنگ آبادی‌های ایران*؛ شامل نام‌ها و موقعیت جغرافیایی شهرها و دیه‌های کشور، تهران: امیرکبیر، ص ۴۸۵.

۴. غیث‌الدین محمد رامپوری (۱۳۶۳)، *غیث‌اللغات*، به‌کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر (وابسته به تبلیغات اسلامی)، ص ۳۹۷.

۵. سیدآیت‌اله میرزایی (۱۳۸۲)، *کاوشی درباره ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوترخانه‌های استوانه‌ای شکل (مطالعه موردی شهر اصفهان و حومه)*، نشریه *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، ش ۴، ص ۱۳۹-۱۱۵.

۶. نامه کمره، ص ۲۸.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۷۳

کبوتران صخره‌ای بوده^۱ و یا شاید اولین کبوترخانه توسط بشر زمانی ساخته شد که بشر این حیوان اهلی را در حال آمد و شد از دالان چاه‌هایی که برای دسترسی به آب قنات حفر کرده بود، دید و به فکر آن افتاد که این چاه‌های عمودی زیر زمین را روی زمین و با سطحی فراتر ایجاد کند.^۲ امیرخانی با گمانه‌زنی در این خصوص معتقد است که در خاورمیانه کبوتران صخره‌ای (صحرائی) پناهگاه‌های امنی را در خانه‌های متروکه و قدیمی انسان یافتند که در ابتدا انسان از گوشت و تخم آنها استفاده می‌کرد؛ اما به تدریج پی به خاصیت تقویت‌کنندگی فضله کبوتر برد. از این زمان بود که به تدریج اولین کبوترخانه‌ها به منظور پرورش کبوتر برای جمع‌آوری فضله کبوتران در کف کبوترخانه ساخته شدند.^۳ در خارج از ایران پرورش کبوتر علاوه بر تولید کود به منظور بهره‌وری از گوشت آن نیز بوده است؛ به طوریکه بر اساس گفته‌ی تاریخ‌نگاران رومی از قبیل پلینی (Plini) و وارو (Varro) کبوتران در دوره امپراتوری روم (قرون اول قبل و بعد از میلاد) به منظور تولید کود و گوشت پرورش داده می‌شدند. همچنین آنان از اهمیت فضله کبوتر به عنوان بهترین تقویت‌کننده زمین نام می‌برند.^۴ وارو متذکر می‌شود که فضله کبوتر باید همانند دانه بر روی زمین پاشیده شود و نباید همانند کود گاوی بر روی هم انباشته شود.^۵ علاوه بر آن مصریان و رومیان باستان از کبوتران به عنوان کبوتر نام‌رسان، ترکان در جنگ‌های صلیبی و عثمانیان و اروپائیان از آنها در جنگ با دشمنانشان استفاده می‌کردند. به عقیده وسیت

۱. کاوشی درباره ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوترخانه‌های استوانه‌ای شکل (مطالعه موردی شهر اصفهان و حومه)، ص ۱۳۹-۱۱۵.

۲. سعید هادی‌زاده کاخکی (۱۳۸۱)، *تعامل با طبیعت (طراحی باغ کبوترخانه در پارک جمشیدیه تهران)*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد معماری، تهران، دانشگاه تهران، گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، ص ۱۱۳.

3. Amirkhani, Aryan, (2010), "Ancient Pigeon Houses: Remarkable Example of the Asian Culture Crystallized in the Architecture of Iran and Central Anatolia", *Asian Culture and History*, Vol. 2, No. 2, pp. 45-57.

4. Hooper, W., (1934), *Varro. On Agriculture*. Harvard University Press, Cambridge, p. 14; Rackham, H., (1963), *Pliny the elder, Natural history*, Harvard University Press, Cambridge, p.117; Tepper, Y., (2007), *Soil Improvement and Agricultural Pesticides in Antiquity: Examples from Archaeological Research in Palestine*. Proceeding Middle East Gardens Traditions: Unity and Diversity, Dumbarton Oaks Colloquium on the History of Landscape Architecture 31, Dumbarton Oaks, Washington DC. pp. 41-52.

5. *Varro*, p. 17.

امام/وعلو (Vacit Imamoglu) قدیمترین کبوترخانه‌ها مربوط به روم باستان بوده و از آنها به عنوان نیا‌های کبوترخانه‌های اروپا یاد می‌شود.^۱

شناسایی و معرفی کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار

این مبحث در ارتباط با فعالیت میدانی در شهرستان‌های گلپایگان و خوانسار است که طی آن نگارنده در تیرماه سال ۱۳۹۱، ۱۴۶ کبوترخانه را شناسایی کرده است. از این میان ۱۲۹ کبوترخانه سهم گلپایگان و ۱۷ کبوترخانه سهم خوانسار بوده است.

بستر استقراری کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار

بستر استقراری کبوترخانه‌ها حاکی از ارتباط تنگاتنگ و مؤثری است که کبوترخانه‌ها با محیط خود دارند. به عبارت دیگر شرایط و دلایل شکل‌گیری کبوترخانه در این مورد بستگی مستقیم با عملکرد مورد نظر و شرایط محیطی حاکم بر آن داشته است. کبوترخانه‌ها متناسب با نیاز کشاورزان، در الگوهای متنوع محیطی، همچون بافت روستاها و شهرها، محدوده‌ی کشتزارها (در داخل زمین‌های یونجه، گندم، و ذرت)، باغ‌ها، زمین‌های بایر و غیر قابل کشت، در امتداد رودخانه‌ها، نزدیک به چاه‌های قنات و یا بر بسترهای صخره‌ای شکل گرفته‌اند.

در ایران محل استقرار کبوترخانه‌ها، سوای الزامات محیطی، به محدودیت‌های ملکی و حقوق مالکیت نیز مقید بوده است. شاردن در این خصوص می‌گوید: «... کلیه کسانی که مایل به داشتن کبوترخانه باشند به استثنای سکنه‌ای که متدین به مذهب رسمی کشور نیستند، می‌توانند آن را بسازند و در این مورد هیچ‌گونه شرط، انحصار و امتیازی وجود ندارد؛ فقط مالیات کود می‌پردازند».^۲ در اماکن مقدس و بقاع متبرک نیز می‌توان کبوترخانه‌ها را مشاهده کرد که از روزگاران گذشته مکانی امن برای استقرار کبوتران بوده است. معمولاً در این اماکن کبوتران بسیاری به سر می‌بردند، از این‌رو در برخی از آنها

1. Vacit Imamoglu and etal, (2005), "A Fantasy in Central Anatolian Architectural Heritage: Dove Cotes and Towers in Kayseri", Metu Journal of the Faculty of Architecture, pp 79-89.

۲. سفرنامه شاردن به ایران و دیگر نواحی شرق، ص ۱۲۳.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۷۵

کبوترخانه‌هایی وجود داشته است. از نمونه‌های معروف این نوع می‌توان به کبوترخانه‌ی شاهزاده ابراهیم فین کاشان اشاره کرد که در کُنج محوطه و مشرف به کشتزارهای اطراف بنا شده است.^۱ آنچه در ارتباط با استقرار کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان اهمیت فراوان دارد رابطه‌ی سه جانبه کبوتر، زمین کشاورزی و آب است که در نظام کشاورزی منطقه به آن توجه شده است. چنانچه کبوترخانه‌ها در مسیر جریان آب رودخانه، قنات و در کنار مزرعه ساخته می‌شدند تا کبوتر برای مصرف آب و دانه مجبور به طی مسافت طولانی نباشد.

مالکیت کبوترخانه‌ها

در ارتباط با مالکیت کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار می‌توان از کبوترخانه‌های با مالکیت دولتی، سلطنتی، وقفی و کبوترخانه‌های واقع در املاک خصوصی و اربابی نام برد. اگر چه به نظر می‌رسد ممنوعیتی برای دهقانان در ساخت و بهره‌برداری از ساخت کبوترخانه‌ها وجود نداشته است؛ اما کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان به علت مخارج نسبتاً سنگین ساختمان‌سازی و نیز کمبود زمین‌هایی که در مالکیت خرده‌مالکین قرار داشته بیشتر در اختیار مالکین عمده بوده‌اند. این کبوترخانه‌ها در روستاهایی که قدرت محل در دست مالک و ارباب بوده ساخته می‌شدند؛ به همین علت در روستاهایی که دارای خرده مالک بودند به ندرت کبوترخانه‌ای ساخته شده و بیشتر به صورت شراکت چند خرده مالک یا زارع از مالکین خریداری می‌شدند. اداره‌ی کبوترخانه‌هایی که در گذشته در اراضی مالکین بوده از نظر دانه‌ریزی، برف‌روبی و تعمیرات و سایر کارهای مربوط به کبوترخانه بر عهده رعیت بوده است. او در قبال وظایف محوله، از مالک به صورت جنسی و یا نقدی مزد می‌گرفته و مالک تنها نظارت بر دخل و خرج کبوترخانه را داشته است. در مقابل، کبوترخانه‌هایی که با هدف تولید کود در زمین‌های شخصی و یا سلطنتی ساخته می‌شدند، کبوترخانه‌های وقفی ساخته شده‌اند که عموماً به‌وسیله‌ی اشخاص خیر و نیت‌ها و انگیزه‌های متفاوت شخصی، تمامی یک کبوترخانه و یا چند دانگ آن وقف شده است. این کبوترخانه‌ها معمولاً به مجتهد و روحانی ده یا شخص مورد اعتماد دیگری

۱. سعید هادی‌زاده کاخکی (۱۳۸۵)، کبوترخانه در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۱۱۸.

سپرده می‌شده تا درآمد حاصل از آن را به مصرف کارهای عام المنفعه برساند. در برخی موارد هم مردم ده جهت شرکت در این امر خیر امور مربوط به کبوترخانه را بر عهده می‌گرفتند.^۱

میزان و نحوه مصرف کود کبوترخانه‌ها

کشت اکثر سبزیجات، صیفی و جالیز در بهار انجام می‌گیرد و در مدت کوتاهی رشد سریعی از خود نمایش می‌دهند. این گیاهان از نظر کودی پرتوقع‌تر از گیاهان زراعی و باغات‌اند؛ زیرا لازم است در مدت کوتاهی حداکثر تولید نموده و برای این منظور می‌باید مقدار بیشتری کود و مواد غذایی در اختیار آنها نهاد.

کود خربزه، هندوانه، خیار و کدو از نظر کلی شبیه به سبزیجات است این دسته از گیاهان نیز به ازت و پتاس احتیاج فراوانی دارند.^۲ با این حال مقدار مصرف فضله برای محصولات مختلف، متفاوت بوده و به سابقه مصرف و نوع محصول مربوط می‌شود؛ مثلاً برای کتان و خشخاش ۱/۲ تن در هکتار و برای درختان میوه مانند هلو، انار، سیب و گیلاس برای هر اصله درخت ۶۰۰ تا ۸۰۰ کیلوگرم در سال است. بیشترین مصرف فضله کبوتران که بیش از ۵۰ درصد کل فضله‌های بدست آمده از کبوترخانه‌ها را شامل می‌شود در کشت خربزه و هندوانه به مصرف می‌رسد. چون آمار دقیقی در خصوص مصرف کود وجود ندارد، باید به اظهار نظر کشاورزان که سال‌ها بر طبق عرف و تجربه به دست آورده‌اند، اعتماد نمود. در مورد کیفیت و مصرف فضله کبوتر اغلب کشاورزان معتقدند که مصرف این نوع کود باعث ازدیاد محصول بیش از ۵۰٪ خواهد بود؛^۳ چون مقدار اُزت کود کبوتر بالاست در مواردی هم آن را با مقداری خاک و فضولات دیگر مخلوط می‌کنند و سپس به مصرف می‌رسانند. تعداد کبوتران و میزان تولید کود هر کبوترخانه به اندازه

۱. مصاحبه‌ی شخصی نگارنده (۱۳۹۱).

۲. منوچهر زرین‌کفش (۱۳۶۸)، حاصلخیزی خاک و تولید، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۲۰-۲۱۹.

۳. محمد محمودیان (۱۳۷۶)، کبوترخانه‌ها در اصفهان، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره ۲۰-۱۹،

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۷۷

کبوترخانه، کوچکی و بزرگی آن، دسترسی به منابع آب و دانه و محفوظ نگه داشتن کبوتران از حیواناتی از قبیل مار، بوف و غیره که داخل کبوترخانه شده و آنها را شکار می‌کنند، متغیر است. در حدود ۵۰ تا ۶۰ سال پیش در اصفهان مقدار کود حاصله از کبوترخانه‌ها از حدود ۳۶ خروار (هر خروار ۳۰۰ کیلو حدود ۱۰/۸ تن) (بزرگترین کبوترخانه) تا حدود ۴ خروار (کوچکترین) متغیر بوده است. همچنین گفته شده که هر کیلو فضله کبوتر ۱۳ ریال ارزش دارد و هر ۲۰۰ من سنگ‌شاه (۱۲۰ کیلوگرم) کود کبوتر برای حدود یک‌هزار مترمربع زمین خربزه کافی بوده است.^۱ یا در جایی دیگر ذکر شده که در اوایل قرن نوزدهم درآمد یک کبوترخانه حدود ۱۰۰ تومان در سال بوده است.^۲ در این مواقع اگر به طور درستی به کبوتران دانه داده نشود نه فقط مقدار فضولات کاهش می‌یابد؛ بلکه ممکن است میزان تلفات کبوتران خیلی زیاد شود. طبق مصاحبه نگارنده هر کبوترخانه به طور میانگین در حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ لانه (حدود ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ کبوتر) را در بر می‌گرفته است که این تعداد در شرایط مساعد حدود ۲۰ تا ۳۰ خروار (شش تا نه تن) کود در سال تولید می‌کردند (به عبارتی هر کبوتر در حدود دو کیلوگرم کود در سال تولید می‌کرده است). همچنین به طور متوسط به هر ۱۰۰۰ متر مربع زمین صیفی یا جالیز در حدود ۳۰۰ کیلوگرم کود می‌دادند. به بیان دیگر هر هکتار به سه تن کود نیازمند بوده و یک کبوترخانه با ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کبوتر حدود دو تا سه هکتار زمین را تقویت می‌کرده است. همچنین آخرین باری که از کبوترخانه‌ها کود استخراج شده در حدود ۳۰ تا ۴۰ سال پیش بوده است. بسیاری اوقات مخصوصاً در فصل زمستان که برف روی زمین را می‌پوشاند برای کبوتران به طور دستی دانه‌ریزی می‌کنند. مقدار دانه‌ریزی ارزن یا گندم در حدود ۶۰ تا ۷۵ کیلوگرم در هر بار دانه‌پاشی است.

۱. جواد صفی‌نژاد (۱۳۸۲)، *مبانی جغرافیای انسانی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۴۸.

۲. میرزا آزاد (۱۳۸۹)، «کبوترخانه استفسانج؛ شاهکار ترکیب خشت و چوب در معماری روستایی ایران»،

نشریه میراث ملی، ش ۴، ص ۱۵-۶.

تمهیدات دفاعی کبوترخانه‌های گلیپگان و خوانسار

ساختمان کبوترخانه باید چنان محکم و ضد تشدید (رزُنانس) بنا شده باشد که در مقابل ارتعاشات پرواز همزمان گاه بیش از ۱۰ هزار کبوتر مقاوم باشد.^۱ در این راستا برخی از ترک‌های دیوار ممکن است بر اثر زلزله یا پرواز ناگهانی کبوتران اتفاق افتاده باشد.^۲ برخی از تمهیدات به‌کار رفته در کبوترخانه‌های گلیپگان و خوانسار عبارتند از:

تنبوشه یا گنگ‌گذاری

پرنده‌ها دشمن کبوتر همیشه در صدد شکار کبوترها و جوجه‌های آنان بوده‌اند. از آنجائی‌که به مرور زمان و تحت تأثیر عوامل جوی منفذهای خروج و ورود کبوتران خراب یا گشاد می‌شوند، در درون منفذهای کبوتررو لوله‌های گلی که به آن «گنگ» یا «تنبوشه» گفته می‌شود کار می‌اندازند تا با این عمل خطر عبور پرنده‌ها را از بین ببرند.

ماست‌لیس یا «مارگیر»

مارها از دشمنان سرسخت جوجه‌های کبوتراند که از منفذ موش‌ها مخصوصاً موش‌های صحرایی وارد کبوترخانه‌ها می‌شوند از همین‌رو در کف کبوترخانه‌ها ظرف سفالی با گلوی تنگ و شکمی نسبتاً بزرگ که ۱/۵ متر ارتفاع دارد خاک می‌کنند. فرهنگ مردم منطقه و روانشناسی عامیانه جانوری می‌گوید مار شدیداً به ماست علاقمند است و بوی آن او را جلب می‌کند. در نتیجه یک چهارم ماست‌لیس را از ماست پر می‌کنند و چون دیوارهای درون ماست‌لیس لعاب داده شده با آمدن مار به درون کبوترخانه وارد ماست‌لیس می‌شود و پس از آن دیگر به خارج شدن از آن قادر نخواهد شد. به این ظرف ماست در اصطلاح محلی «بُولکه» (Boulkeh) نیز می‌گفتند. علاوه بر آن بنا به گفته فرهادی در برخی از روستاهای گلیپگان مانند کبوترخانه‌ی رباط ابوالقاسم سرگرگ و کفتار در کبوترخانه می‌گذاشتند.^۳

۱. کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی، ص ۳۷.

2. McCann, John (2004), "Two more Dovecotes in Suffolk", In: Proceedings of the Suffolk Institute of Archaeology and History XL.4, pp. 460-465.

۳. مرتضی فرهادی (۱۳۷۲)، «کبوترخانه‌های ایران؛ اعجاز معماری و خلاقیت در کشاورزی»، نشریه ایران

زمین، س ۲، ش ۴ و ۵، ص ۱۲؛ نامه کمره ص ۲۲ و ۲۳.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۷۹

گره‌گیر یا مارگیر

گره‌ها و مارها چون اطراف کبوترخانه‌ها را برای وارد شدن مسدود می‌بینند سعی می‌کنند خود را به منفذ کبوتررو برسانند و از آنجائی که تنها از نبش و کنج دیوارها (محل برخورد به دیوار) قادر به بالارفتن هستند، معماران تا ارتفاع ۲/۵ متر چهار نبش دیوارها را از پایین به بالا و به طرف داخل قوس (بخ) می‌دهند. این قسمت به گره‌گیر (مارگیر) مشهور است و سطح آن را با گچ سفید می‌کنند. تمهید یاد شده برای جلوگیری از نفوذ مار نیز مطرح و در اصطلاح محلی به «شال گچی» معروف است. این کمر بند گچی در تمام کبوترخانه‌ها دیده می‌شود و چنانچه مار بخواهد از آن عبور کند، به علت صافی سطح گچ به پائین می‌افتد؛ ولی اگر منفذ و یا رخته‌ای در پائین کمر بند وجود داشته باشد مار به داخل کبوترخانه نفوذ می‌کند و در مدت کوتاهی باعث اتلاف و از بین رفتن تعداد زیادی کبوتر خواهد شد.

علل تخریب کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار

اگرچه علت انهدام کبوترخانه‌ها در هر منطقه می‌تواند متفاوت باشد؛ اما با توجه به اینکه بیشتر کبوترخانه‌های ایران در منطقه اصفهان واقع شده‌اند و شرایط تقریباً برابری بر آنها حاکم است، عوامل تخریب و انهدام کبوترخانه‌ها نیز تقریباً یکسان می‌باشد. برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار عبارتند از:

۱- مالکیت کبوترخانه‌ها نسل به نسل از پدر به فرزندان رسیده و بیشتر آنها متعلق به ورثه مالکین قبلی است. در چنین شرایطی اگر در بین مالکین اختلافی بروز کند، هر یک از شرکا بنا به مصالح خود کبوترخانه را رها می‌کنند و بدین ترتیب تعمیرات کبوترخانه‌ها به موقع انجام نمی‌شود و از همه مهمتر عدم رسیدگی به کبوتران به ویژه دانه‌ریزی در فصل زمستان، باعث مهاجرت کبوتران و از فعالیت افتادن تدریجی کبوترخانه‌ها می‌شود؛ به طوریکه با گذشت یک نسل کبوترخانه‌ای آباد تبدیل به کبوترخانه‌ای مخروبه می‌گردد.

۲- گسترش شهرها، دهات، کاهش نیروی انسانی در روستاها، پائین بودن قیمت محصولات کشاورزی، سر و صدای وسایط نقلیه، تأسیس نهادهای صنعتی و خدماتی

جدید (به ویژه صنایع بزرگ و سنگین)، ایجاد جاده و ساختن ساختمان‌هایی در اطراف کبوترخانه‌ها باعث مهاجرت کبوتران و متروک شدن تدریجی کبوترخانه‌ها شده است.

۳- تیراندازی تا حدود ۵۰۰ متری کبوترخانه‌ها ممنوع است و اگر چنین عملی رخ دهد به تدریج باعث فرار کبوتران و متروک شدن کبوترخانه‌ها می‌شوند.

۴- تغییر الگوی کشت نیز در برخی نقاط باعث از بین رفتن نقش و کارکرد کبوترخانه‌ها، به سبب نیازنداشتن الگوی جدید به محصول کبوترخانه و یا منطبق نبودن محصول کشاورزی با الگوی تغذیه‌ای کبوتران شده است. به عنوان مثال در شهر گلپایگان با احداث یک کارخانه بزرگ محصولات لبنی، بسیاری از کشاورزان اقدام به کشت علوفه برای تغذیه دام‌هایشان کرده‌اند و از تنوع کشت محصولات کشاورزی خبری نیست.

۵- با وجود رقیب بزرگی چون کود شیمیایی و دسترسی آسانتر به آن، مالکان و کشاورزان مایل به نگهداری و حتی تعمیر کبوترخانه‌ها نیستند که این امر را می‌توان مهمترین دلیل متروک شدن کبوترخانه‌ها قلمداد کرد.



تصویر ۵. کبوترخانه روستای مزرعه گلپایگان که از خاک آن جهت ساختن استخر آبیاری استفاده کرده‌اند. این عمل یک روز قبل از بازدید نگارنده صورت گرفته است. چپ: استخر ساخته شده با آوار کبوترخانه تخریب شده (عکس از نگارنده).

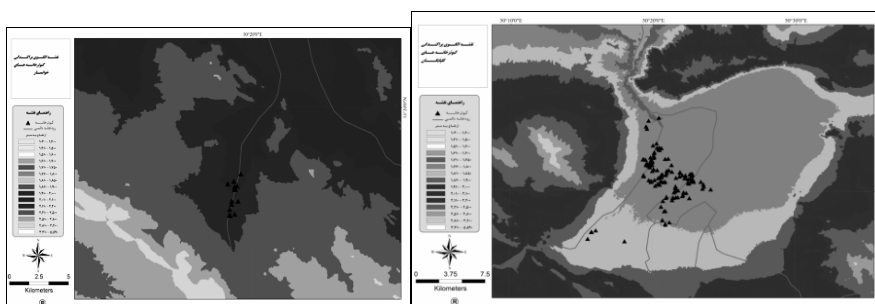
از دیگر عوامل مؤثر در تخریب کبوترخانه‌ها می‌توان به بالا گرفتن اختلافات بین کشاورزان و مالکین در جریان اصلاحات ارضی دانست که منجر به خرابی برخی از کبوترخانه‌ها و یا حداقل متواری شدن کبوتران شده است. در همین زمینه باید به مالکیت برخی از کبوترخانه‌ها اشاره کرد که برخلاف آسیاب‌های آبی و غیره از آنها به صراحت در قوانین و فرم‌های اصلاحات ارضی نامی برده نشده است.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۸۱

با همه‌ی توضیحاتی که در مورد کبوترخانه‌ها و اهمیت آنها گفته شد، متأسفانه تاکنون هیچ اقدامی در خور پیشینه و عظمت آنها نه از سوی سازمان محیط‌زیست برای حفظ و تأمین نسل کبوتران و نه از سوی سازمان میراث فرهنگی برای حفظ و حراست و حتی معرفی دقیق آنها انجام نشده است. همچنین مردم منطقه نیز میل و رغبتی برای حفاظت و احیای کبوترخانه‌ها نشان نمی‌دهند و تا یکی دو دهه‌ی آینده نیز بیشتر کبوترخانه‌های موجود یا خودبه‌خود تخریب خواهند شد و یا اینکه خود مردم منطقه آنها را تخریب خواهند کرد (تصویر ۵).

تمرکز کبوترخانه‌ها در گلپایگان و خوانسار به عواملی از قبیل آب و هوای مساعد، دسترسی آسان به منابع آب، رونق کشاورزی منطقه، لزوم تولید انبوه کود مصرفی در کشاورزی و عدم دسترسی کشاورزان منطقه به کود دامی در تمام طول سال بستگی داشته است. از دلایل دیگر می‌توان به امکان انباشت کود کبوتر و کیفیت بالاتر آن نسبت به سایر کودهای حیوانی، سهولت نگهداری خود کبوتر، مقرون به صرفه‌بودن و بازدهی مناسب آن اشاره کرد. هدف اصلی از ساخت کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار تولید کود برای کشاورزی بوده و هیچ اشاره‌ای مبنی بر استفاده از گوشت کبوتر و یا کود آنها در زمینه‌های رنگرزی و دباغی نشده است. بر اساس نتایج بررسی نگارنده در شهرستان گلپایگان و خوانسار (نقشه ۳ و ۴)، بیشتر کبوترخانه‌ها در کنار رودخانه درازرودخانه گلپایگان و رودخانه خوانسار واقع شده‌اند. این مناطق به علت آب و هوای مساعد حاوی تمام شرایط لازم جهت زندگی کبوتر و ساخت کبوترخانه هستند. از تعداد ۱۲۹ کبوترخانه گلپایگان، ۱۲۰ کبوترخانه دشتی و نه کبوترخانه خانگی است (نمودار ۱ و تصویر ۸ و ۱۰). در دهستان جلگه‌ی گلپایگان، کبوترخانه‌ها در میان زمین‌هایی که آب آنها از طریق قنات و یا چاه آب تأمین می‌شد، واقع شده‌اند (تصویر ۶) و در دهستان درازرودخانه نیز در مسیر رودخانه استقرار یافته‌اند. از نظر میزان فعالیت، ۱۲۰ کبوترخانه غیر فعال و فقط نه کبوترخانه فعال‌اند (تصویر ۷ و ۹). از تعداد ۱۲۰ کبوترخانه غیر فعال شهرستان گلپایگان، ۴۱ کبوترخانه تقریباً سالم‌اند که طی یکی دو دهه‌ی اخیر غیر فعال شده‌اند و عموماً خالی از کبوتراند. ۶۹ کبوترخانه نیمه‌مخروبه و غیر فعال‌اند (طرح و تصویر ۸) که با تعمیراتی در سقف و یا

دیواره‌ها قابل استفاده مجدداند و با توجه به وضعیت امروزی آنها به زودی به کبوترخانه مخروبه تبدیل خواهند شد. ۱۰ کبوترخانه نیز مخروبه‌اند به شکلی که نیمی و یا بیش از نیمی از آنها تخریب شده و تا چند سال آینده اثری از آنها نخواهد ماند (تصویر و طرح ۱۱). از مجموع کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار درصد عظیمی به کبوترخانه‌های مستطیلی اختصاص داشته است؛ از این میان ۱۴۱ کبوترخانه مستطیل‌شکل و فقط پنج کبوترخانه مدور بودند.

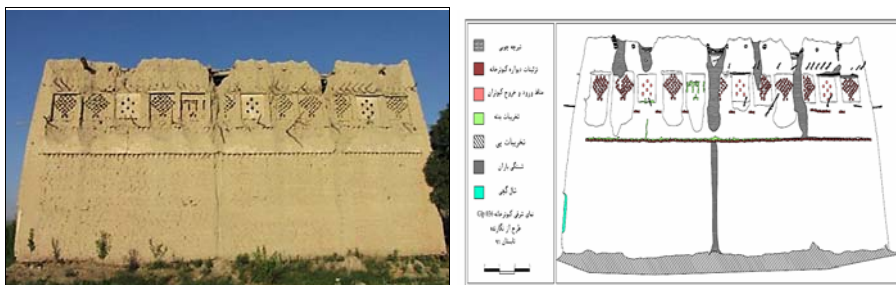


نقشه ۳. الگوی پراکندگی کبوترخانه‌های گلپایگان. نقشه ۴. الگوی پراکندگی کبوترخانه‌های خوانسار.



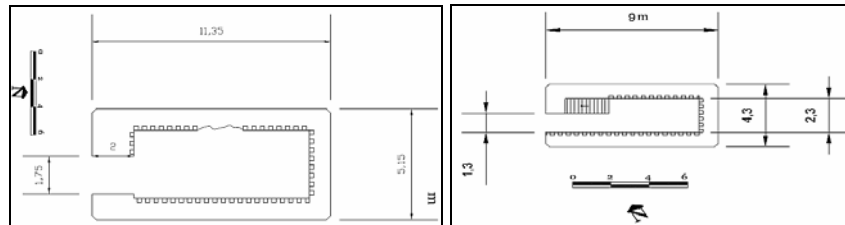
تصویر ۶. چاه حفر شده در داخل کبوترخانه روستای استهلک دهستان درازودخانه گلپایگان به منظور تأمین آب کبوتران (عکس از نگارنده). تصویر ۷. نمای شرقی کبوترخانه‌ی فعال روستای وارنیان دهستان جلگه گلپایگان (عکس از نگارنده).

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۸۳



طرح و تصویر ۸. نمای شرقی کبوترخانه روستای ضامن‌آباد دهستان درازرودخانه گلپایگان (عکس و طرح از نگارنده).

بستر هر کبوترخانه می‌تواند بیانگر مصرف کود آن برای زمین کشاورزی واقع شده در آن باشد. البته کشت‌هایی همانند گندم و ذرت که یک ساله‌اند می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند. نتایج آماری بستر کبوترخانه‌ها نشان می‌دهد که بیشتر کبوترخانه‌ها در حال حاضر در درون کشت‌های غلات و یونجه واقع شده‌اند. این موضوع می‌تواند دلیلی بر از رونق افتادن آنها و جایگزین شدن کشت غلات و یونجه به جای صیفی‌جات و بهاره‌کاری باشد. به عبارتی با این جایگزینی، کبوترخانه‌ها تا حدود زیادی کارکرد خود را از دست داده‌اند. روند جایگزینی یاد شده حداقل به ۴۰ سال قبل برمی‌گردد. از نظر مالکیت، ۱۵ کبوترخانه دارای حصار بوده‌اند (نقشه ۷ و ۶) که به همراه زمین کشاورزی محصور شده‌اند. این موضوع احتمالاً مالکیت خصوصی صاحبان کبوترخانه‌ها را می‌رساند که در آن مصرف کود هر کبوترخانه، ابتدا به زمین محصور شده و سپس به زمین‌های دیگر می‌رسیده است. با اینکه کسب اطلاعات دقیق در مورد کبوترخانه‌های وقفی مشکل است و اهالی از میزان و نحوه وقف کبوترخانه‌ها اطلاعی نمی‌دادند، با این حال به نظر می‌رسد سنت وقف چندان در مورد کبوترخانه‌ها مصداق نداشته و از مجموع کبوترخانه‌های مورد مطالعه تنها پنج کبوترخانه وقفی محسوب می‌شدند.

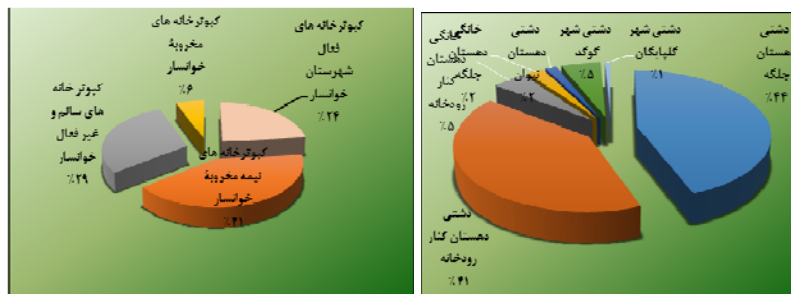


نقشه ۵. نقشه متداول کبوترخانه گلپایگان و خوانسار (طرح از نگارنده).



تصویر ۹. نمای شرقی کبوترخانه فعال گلزار گوگرد گلپایگان (عکس از نگارنده)

تصویر ۱۰. نمای جنوبی کبوترخانه خانگی روستای خاکه دراز رودخانه گلپایگان (عکس از نگارنده).



نمودار ۱. درصد فراوانی کبوترخانه‌های دشتی و خانگی گلپایگان به تفکیک هر دهستان.

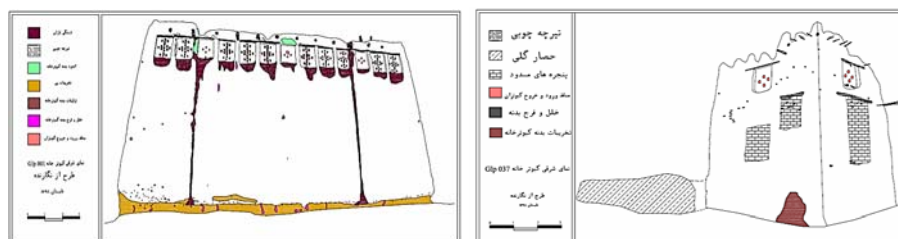
نمودار ۲. درصد فراوانی وضعیت کنونی کبوترخانه‌های خوانسار.

بیشتر کبوترخانه‌های گلپایگان در یک طبقه به عرض چهار تا شش متر، طول ۹ تا ۱۴ متر و ارتفاع ۷ تا ۱۰ متر ساخته شده‌اند. زیربنا و اطراف کبوترخانه‌ها را تا حدود سه متر به منظور جلوگیری از نفوذ آب و استحکام بنا شفته‌ریزی می‌کردند. دیوارها را با خشت بالا می‌بردند و بین هر چند ردیف برای ایجاد مقاومت مقداری چوب به کار می‌بردند. تنها کبوترخانه‌های قابل قیاس با کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار از این نظر کبوترخانه‌های

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۸۵

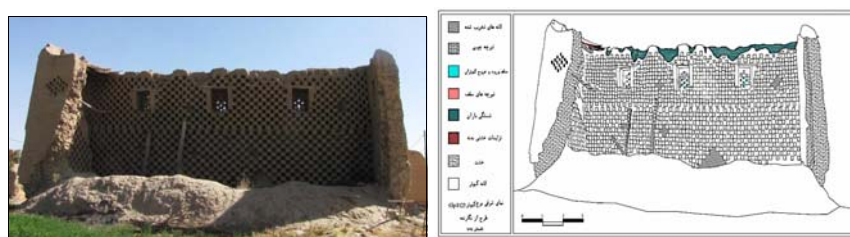
کمره (خمین) اند^۱ که اغلب به صورت مکعب مستطیل ناقص و با قاعده مستطیلی ساخته شده‌اند (نقشه ۵). همانند کبوترخانه‌های خمین که در مسیر شاخه‌های رودخانه بنا شده‌اند^۲، بیشتر کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار نیز در مسیر رودخانه قرار گرفته‌اند. همچنین کبوترخانه‌های خمین از نظر اندازه، ابعاد و سازوکارهای مرتبط، با کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار شباهت دارند.

برخی از کبوترخانه‌های گلپایگان به شکل دو طبقه ساخته شده‌اند که معمولاً از طبقه اول به عنوان محل نگهداری دام و یا محلی جهت انبار وسایل کشاورزی و از طبقه دوم به عنوان محل پرورش کبوتر (کبوترخانه) استفاده شده است. از مجموع کبوترخانه‌های گلپایگان ۱۲ کبوترخانه دو طبقه که سقف طبقه اول معمولاً قوسی شکل است و ۱۱۷ کبوترخانه یک طبقه ساخته شده‌اند.



نقشه ۶. نمای شرقی کبوترخانه روستای سعیدآباد درازرودخانه (طرح از نگارنده)

نقشه ۷. نمای شرقی کبوترخانه حصاردار روستای ضامن‌آباد درازرودخانه گلپایگان (طرح از نگارنده)



تصویر ۱۱. تصویر و نقشه کبوترخانه مخروطی روستای رباطملکی دهستان جلگه گلپایگان (طرح و عکس از نگارنده).

۱. نامه کمره، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۲۳.

شهرستان خوانسار به علت مساحت کمتر نسبت به شهرستان گلپایگان کبوترخانه‌های کمتری را در داخل خود جای داده است. کبوترخانه‌های این شهرستان در امتداد رودخانه خوانسار و به صورت خطی شکل گرفته‌اند (نقشه ۴). همچنین از نظر تعداد نیز کبوترخانه‌های خوانسار در حدود یک‌هشتم کبوترخانه‌های گلپایگان‌اند. از مجموع ۱۷ کبوترخانه شناسایی شده در شهرستان خوانسار ۱۶ کبوترخانه دشتی و فقط یک کبوترخانه خانگی بوده که در محله‌ی موسوم به هورستانه واقع شده است. از این میان چهار کبوترخانه فعال و ۱۳ کبوترخانه غیرفعال‌اند. علاوه بر آن از ۱۳ کبوترخانه غیرفعال مزبور هفت کبوترخانه نیمه‌مخروبه، پنج کبوترخانه سالم و یک کبوترخانه مخروبه است (نمودار ۲). از مجموع کبوترخانه‌های خوانسار ۱۲ کبوترخانه دشتی در روستای قودجان و چهار کبوترخانه دشتی در محله سنگ شیر واقع شده‌اند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲. نمایی از پنج کبوترخانه در محله قودجان خوانسار و استقرار آنها در کنار رودخانه خوانسار (عکس از نگارنده).

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار از قدمت چندانی برخوردار نیستند و طبق مصاحبه نگارنده با ریش‌سفیدان و کهن‌سالان روستاها و مصالح به کار رفته در ساخت بنا اکثراً به اواخر دوره قاجار مربوط می‌شدند. احتمالاً کبوترخانه‌هایی متعلق به دوره صفوی و حتی قدیمی‌تر در منطقه وجود داشته که در دوره‌های بعدی با تعمیراتی مورد استفاده قرار گرفته و یا اینکه به کلی تخریب شده‌اند.

نتیجه

کبوترخانه‌ها در تاریخ و فرهنگ بومی ایران از پیشینه‌ای طولانی برخوردارند. اگرچه آثاری از آنها تا قبل از دوره صفوی باقی نمانده است؛ اما می‌توان ردپای آنها را در ایران بر اساس متون ادبی و تاریخی حداقل تا سده چهارم هجری به عقب برد. در دوره صفوی این بناها توجه عموم سیاحان را به خود جلب می‌کنند و در بیشتر سفرنامه‌ها از کبوترخانه‌های اصفهان نامی برده شده است. هدف از ساخت کبوترخانه‌ها در گلپایگان و خوانسار صرفاً تولید کود بوده و هیچ سندی دال بر نگهداری کبوتر برای استفاده از گوشت آن برخلاف کبوترخانه‌های خارج از ایران در دست نیست. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در منطقه گلپایگان و خوانسار کبوترخانه‌ها یا در کنار رودخانه و یا در دشت ساخته شده‌اند. آب و هوای این نواحی به طور طبیعی معتدل و جهت نگهداری کبوتران مناسب است؛ به گونه‌ای که در مناطق بعضاً کوهستانی و مناطق بیابانی کمتر اثری از کبوترخانه‌ها به چشم می‌خورد. همچنین به نظر می‌رسد یکی از عواملی که باعث می‌شد در مناطق دیگر به ساخت کبوترخانه نپردازند، رونق کشاورزی در منطقه گلپایگان و خوانسار در دوره قاجار و لزوم تولید انبوه کود مصرفی در کشاورزی، عدم دسترسی کشاورزان منطقه به کود دامی، امکان انباشت کود کبوتر نسبت به کودهای دیگر، کیفیت بالای فضله کبوتر نسبت به سایر کودهای حیوانی، سهولت نگهداری و مقرون به صرفه بودن و بازدهی مناسب کبوتر را نام برد. در خصوص تغذیه آب کبوتران باید گفت، شناسایی منبع دقیق آبی که کبوتران منطقه از آن استفاده می‌کردند مشکل است؛ چرا که کبوتران ممکن است از چندین منبع آب در کنار هم استفاده کنند. با این حال اکثر کبوترخانه‌ها را یا نزدیک چاه‌ها و قنوت و یا نزدیک چشمه‌ها و رودخانه‌ها می‌ساختند. در مواردی هم اگر کبوترخانه به آب‌های جاری نزدیک نبودند در وسط آن چاهی را به آب می‌رسانیدند و جایگاهی برای آبشخور آنها می‌ساختند. مهم‌ترین عوامل از رونق افتادن و تخریب کبوترخانه‌های خوانسار و گلپایگان، جایگزینی کود شیمیایی، خشکسالی، فقدان امنیت و شکار کبوتران، حذف شدن سازوکارهای ناظر بر کارکرد کبوترخانه‌ها و عدم تعمیر و محافظت از آنها در برابر عوامل انسانی، جانوری و طبیعی است. از نظر مالکیت، کبوترخانه‌هایی که با شراکت چند زارع بنا

و یا خریداری شده‌اند هنگام خرید و فروش بر حسب دانگ محاسبه می‌گردیدند؛ در نتیجه سهم کود و درآمد حاصله از فروش و مخارج آن، برای هر کسی بر حسب دانگش تعیین می‌شد.

با توجه به نتایج بررسی انجام شده در خصوص کبوترخانه‌های شهرستان گلپایگان و خوانسار می‌توان گفت که از نظر وضعیت تخریب و فعالیت، در حدود نیمی از آنها (۵۲٪) نیمه‌مخروبه‌اند. حدود ۳۱٪ سالم اما غیر فعال، ۱۰٪ فعال و ۸٪ مخروبه‌اند. به عبارتی از مجموع ۱۴۶ کبوترخانه‌ی ثبت شده، ۱۳ کبوترخانه فعال، ۴۶ کبوترخانه سالم اما غیر فعال، ۷۶ کبوترخانه نیمه‌مخروبه و ۱۱ کبوترخانه مخروبه‌اند. این آمار نشان می‌دهد که امروزه کبوترخانه‌ها کارکرد اقتصادی خود را از دست داده‌اند؛ اما می‌توان با احیاء و مرمت این سازه‌ها و نیز معرفی آنها ابعاد فرهنگی‌شان را برجسته ساخت. همچنین از مجموع کبوترخانه‌های دو شهرستان ۱۳۶ کبوترخانه (۹۳٪) دشتی و ۱۰ کبوترخانه (۷٪) خانگی‌اند.

علاوه بر آب هوای معتدل و معیشت کشاورزی که از عوامل مؤثر در استقرار کبوترخانه‌های دو شهرستان‌اند، نیاز به تقویت زمین‌های کشاورزی با استفاده از دانش بومی و صرف کمترین هزینه از دیگر عواملی مهم در استقرار کبوترخانه‌هاست. با مطالعه نقشه‌های پراکندگی کبوترخانه‌های شهر گلپایگان و خوانسار و بررسی آنها می‌توان پی برد که عامل تعیین کننده دیگر در استقرار آنها، نزدیکی به رودخانه درازرودخانه در شهرستان گلپایگان و رودخانه خوانسار بوده است همچنین در این بررسی معماری بیشتر کبوترخانه‌ها از نوع چهارکنج (مستطیلی) بوده است؛ از این نظر با سایر کبوترخانه‌های اصفهان متفاوت‌اند، اما کارکرد آنها (تولید کود) و مصالح (خشت و گل) مشابه بوده است. در ساختمان کبوترخانه‌ها افزون بر تأمین امنیت و آرامش کبوتران که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، به علایق و نیازمندی‌ها و در یک کلمه به آسایش آنها توجه بسیار شده است. چهارگوش بودن کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار با توجه به مصالح ساختمانی در دسترس یا سبک معماری در هر دو منطقه تبیین می‌شود. برخی از آنها دشتی و حصاردار یا بدون حصار و برخی نیز خانگی بودند.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۸۹

فهرست منابع و مآخذ

- آزاد، میترا، «کبوترخانه استفتانج؛ شاهکار ترکیب خشت و چوب در معماری روستایی ایران»، نشریه میراث ملی، ش ۴، ۱۳۸۹، ص ۱۵-۶.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۵۹)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسدی طوسی، ابو نصر علی بن احمد بن منصور (۱۳۵۶)، *لغت فرس*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری.
- التاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه آدام التاریوس (سفرنامه مسکو و ایران؛ بخش ایران)*، ترجمه از متن آلمانی و حواشی احمد بهیور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- بایاش، آلن (۱۳۷۴)، *اصفهان نهاد دل من*، آثار آبرنگ نقاش فرانسوی، تهران: چاپ و انتشارات فرهنگسرا.
- بیزلی، الیزابت (۱۳۷۴)، *مجموعه مقالات هنرهای ایران*، زیر نظر رونالد دبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر و پژوهش فرزبان.
- _____ (۱۳۴۵)، *کبوترخانه‌های اصفهان*، ترجمه مهندس کسائی، اصفهان: آرشیو دفتر حفاظت آثار باستانی.
- تاورنیه، زان باتیست (۱۳۳۶)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیروانی، اصفهان: کتابخانه‌ی سنایی و تأیید.
- چکسن، آبرهام. و. ویلیامز (۱۳۵۷)، *سفرنامه چکسن (ایران در گذشته و حال)*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۴۹)، *جغرافیای حافظ‌ابرو (قسمت ربع خراسان و هرات)*، به کوشش نجیب مایل‌هروی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل‌بن علی (۱۳۳۸)، *دیوان خاقانی شروانی*، به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- دالمانی، هنری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری*، ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران: امیرکبیر.
- دیولافوا، مادام (۱۳۷۶)، *سفرنامه مادام دیولافوا (ایران، کلده، شوش)*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد (۱۳۶۳)، *غیاث‌اللغات*، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر (وابسته به تبلیغات اسلامی).
- ریچاردز، فردریک چارلز (۱۳۴۳)، *سفرنامه فرد ریچاردز*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و

نشر کتاب.

- زرین کفش، منوچهر (۱۳۶۸)، *حاصلخیزی خاک و تولید*، تهران: دانشگاه تهران.
- سروری کاشانی، محمداقاسم بن حاجی محمد (۱۳۳۸)، *فرهنگ سروری (مجمع الفرس)*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: علمی.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰)، *سفرنامه شاردن به ایران و دیگر نواحی شرق*، ج ۴، ترجمه محمدمسعود عباسی، تهران: امیرکبیر.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۸۲)، *مبانی جغرافیای انسانی*، تهران: دانشگاه تهران.
- فرهادی، مرتضی، «کیبوترخانه‌های ایران؛ اعجاز معماری و خلاقیت در کار کشاورزی»، *ایران زمین*، س دوم، ۱۳۷۲، ش ۳-۴، معاونت امور سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرهادی، مرتضی، «کیبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۸، ش ۱۵، ۱۳۷۲، ص ۳۷-۳۸.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۶۹)، *نامه کمره*، ج ۲ (چند برش در فرهنگ کشاورزی و دامداری شهرستان کمره)، تهران: امیرکبیر.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراق.
- کاخکی، سعید هادی زاده (۱۳۸۵)، *کیبوترخانه در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____ *تعامل با طبیعت (طراحی باغ کیبوترخانه در پارک جمشیدیه تهران)*، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تهران: گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، (۱۳۸۱).
- کرزن، جرج، ن. لرد (۱۳۶۷)، *ایران و قضیه ایران*، ج ۲، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- گوینو، ژزف آرتور (۱۳۶۷)، *سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: کتابسرا.
- گوهربین، صادق (۱۳۳۷)، *فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بن حسین بلخی*، تهران: دانشگاه تهران.
- لیدی‌شل، مری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی‌شل*، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نو.
- محمودیان، سیدمحمد و چیت‌ساز علی (۱۳۷۹)، *کیبوترخانه‌های اصفهان*، تهران: گله‌ها.
- محمودیان، محمد، «کیبوترخانه‌ها در اصفهان»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸-۲۰۷.
- مستوفی قزوینی، حمداله (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به کوشش گای لسترنج، تهران: نیای کتاب.
- مسیبی، محمد، *بررسی اوضاع طبیعی حوضه‌ی آبی رودخانه گلپایگان با تأکید بر هیدروکلیما*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، گروه جغرافیای طبیعی، ۱۳۷۱.

کبوترخانه‌های گلپایگان و خوانسار: نگرشی بر اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها در دوره قاجار ۹۱

_____ «ژئومورفولوژی حوضه آبی گلپایگان»، فصلنامه‌ی رشد و آموزش جغرافیا، ش ۴۶، ۱۳۷۷، ص ۴۸-۵۴.

- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شناسه آبادی‌های کشور، شهرستان گلپایگان.

- مفخم‌پایان، لطف‌اله (۱۳۳۹)، فرهنگ آبادی‌های ایران؛ شامل نام‌ها و موقعیت جغرافیایی شهرها و دیه‌های کشور، تهران: امیرکبیر.

- مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۱)، کلیات شمس تبریزی (مطابق نسخه تصحیح شده استاد بدیع‌الزمان فروزانفر)، تهران: مهتاب.

- میرزایی، سیدآیت‌اله، «کاوشی درباره ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوترخانه‌های استوانه‌ای شکل (مطالعه موردی شهر اصفهان و حومه)»، نشریه نامه انسان‌شناسی، دوره اول، ش ۴، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵-۱۳۹.

- نخجوانی، شمس‌الدین محمدبن هندوشاه (۱۳۵۵)، صحاح‌الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هـ.ق)، به‌کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر (۱۳۵۱)، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن نصر قبادی، به‌تصحیح محمدعلی مدرس زنوزی، محمدبن زُفر بن عمر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- نظامی گنجوی (۱۳۶۲)، خمسه نظامی، تهران: پدیده.

- نفیسی، علی‌اکبر (ناظم‌الاطباء) (۱۳۴۳)، فرهنگ نفیسی، ج ۴، تهران: خیام.

- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸)، سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن پیش)، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.

- هاکس، مریت (۱۳۶۸)، افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد و دیگران، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

- همدانی، رشیدالدین فضل‌اله (۱۳۶۸)، جامع‌التواریخ (تاریخ مبارک غازی)، به‌کوشش کارل یان، اصفهان: پرسش.

- هولستر، ارنست (۲۵۳۵)، شاهنشاهی، ایران در یکصد و سیزده سال پیش (با شرح و تصویر بخش نخست اصفهان)، ترجمه محمد عاصمی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.

- Amirkhani, Aryan, (2010), "Ancient Pigeon Houses: Remarkable Example of the Asian Culture Crystallized in the Architecture of Iran and Central Anatolia", *Asian Culture and History*, Vol. 2, No. 2, p.p. 45-57.

- Beazley, E., (1966), "The Pigeon Towers of Isfahan", *Iran*, Journal of The British Institute of Persian Studies, the British Academy, Burlington Gardens, London, Vol.IV. pp. 105-109.

- Cook, O.A., (1920), *A Book of Dovecote*, By: T.N. Foulis in London, Edinburgh and Boston.

- McCann, John (2004), "Two more dovecotes in Suffolk", In: *Proceedings of the Suffolk Institute of Archaeology and History* XL.4, pp. 460-465.

- Dewan, M.I, (1955), *Towers and Pigeon in Iran*, World Crops, March 1955.
- Hooper, W., (1934), *Varro. On Agriculture*. Harvard University Press, Cambridge.
- Husselman, Elinor M., (1953), "The Dovecotes of Karanis", *Transactions and Proceedings of the American Philological Association*, Vol. 84. pp. 81-91.
- Imamoglu, vacit and etal, (2005), "A Fantasy in Central Anatolian Architectural Heritage: Dove Cotes and Towers in Kayseri", *Metu Journal of the Faculty of Architecture* , pp. 79-89.
- Spandl, k., (1998), "Exploring the Round Houses of Doves", *British Archeology Magazine Logo*, No. 35. pp.1-8.
- Rackham, H., (1963), *Pliny the elder, Natural history*, Harvard University Press, Cambridge.
- Tepper, Y., (2007), "Soil Improvement and Agricultural Pesticides" in Antiquity: Examples from Archaeological Research in Palestine. *Proceeding Middle East Gardens Traditions: Unity and Diversity, Dumbarton Oaks Colloquium on the History of Landscape Architecture 31*, Dumbarton Oaks, Washington DC. pp. 41-52.